

# پوشاک مردم استان اصفهان

مهناز قاسمی\*

## قسمت دوم

بخش اول این نوشتار به پوشاک زنان استان در پنجاه سال گذشته اختصاص داشت و در شماره ۱۶ فصلنامه فرهنگ اصفهان درج گردید. در این شماره پوشاک مردان استان در سالهای مذکور تقدیم خوانندگان گرامی می‌گردد.

### پوشاک مردان

پوشاک مردان نیز مانند زنان شامل سه قسمت است:

ب) کلاههای پشمی، بر اساس شکل کلاه عبارت بود از:

کلاه کش یا کشی [Kaš - Keš / Keši]: سرپوشی بافتنی که مردان طبقات کم درآمد اجتماع و افراد پیر و مسن آن را بر سر می‌گذاشتند. امروزه نیز در اکثر نقاط مورد استفاده همین افراد می‌باشد.

### ۱- سرپوش

انواع سرپوش مردان عبارت بوده است از:

#### ۱-۱. کلاه

کلاههای پشمی نیم‌کره‌ای گوشه‌ای: که به خصوص چوپانان هنگام بارانی بودن هوا از آن استفاده می‌کردند. کلاههای پشمی نیم‌کره‌ای بلند نقابی: سرپوشی بافتنی، بلند تا زیر گردن و راسته که در فصول سرد به هنگام رفتن به مسافتهای دور مورد استفاده چوپانها، چاروادارها و شکارچیان قرار می‌گرفت. در این نوع کلاه، فقط جلوی چشم باز بود. امروزه کم و بیش استفاده از این کلاه در فصول سرد رایج است.

در گذشته کلاه مرد را دلیلی بر تشخیص، منش و مردانگی وی می‌دانستند و وقتی فردی کلاه نمی‌گذاشت اغلب مورد تمسخر و ریشخند دیگران قرار می‌گرفت و او را بی‌بند و بار می‌دانستند. کلاههای مورد استفاده آقایان را بر حسب جنس می‌توان به ترتیب زیر تقسیم کرد:

گفتنی است که آقایان شیک‌پوش طبقه مرفه از کلاه ماهوتی استفاده می‌کردند که بلندی آن کمی بیشتر از کلاه نمندی بود. بعد از منسوخ شدن این کلاه حدود سی چهل سال پیش، کلاه شابگا (شاپو)، کلاههای استوانه‌ای دوره‌دار) مرسوم گشت که بیشتر مالکان و اربابان و کدخداها بر سر می‌گذاشتند.

الف) کلاههای نمندی، به ترتیب اهمیت عبارت بود از: کلاههای نمندی بیضی‌شکل بدون لبه با سطح منحنی و تخت که همه مردان از هر گروه و طبقه آن را بر سر می‌گذاشتند.

کلاههای نمندی بیضی‌شکل لبه‌دار معروف به کلاه گوشه‌ای که اغلب مردان ایلات ساکن (بختیاری‌ها و به‌خصوص قشایی‌ها) استفاده می‌کردند.

جنس کلاه افراد ثروتمند از کرک بز انتخاب می‌شد. استفاده از کلاههای نمندی تا زمان رضاخان (پهلوی اول) مرسوم بود. در حال حاضر فقط افراد مسن نقاط روستایی استان کلاه نمندی بر سر می‌گذارند.

\* پژوهشگر مردم‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان.



نحوه آرایش موی بلند به هنگام استفاده از کلاه

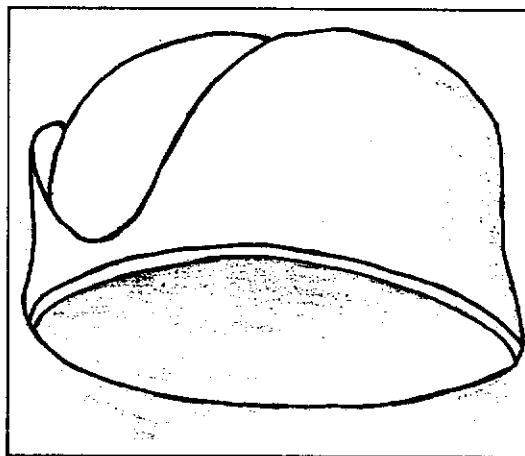
به هنگام کار و فعالیت در صحرا این نقاب را بالای پیشانی می‌بستند تا از آفتابزدگی و سوزش صورت جلوگیری شود.

۱-۶. کلاه داماد

این کلاه نمدی بیشتر به رنگ مشکی با جنس مرغوب بود. آرایش مو به هنگام استفاده از کلاه: آقایان در بیشتر مواقع موهای جلوی سر را به عقب می‌بردند و کلاه را کمی بالاتر از رستگاه مو روی سر می‌گذاشتند.

گاهی نیز جوانان و اعیانها دورتادور موها را بلند می‌گذاشتند، سپس کلاه را بر سر می‌نهادند و اضافه موها را به طرف روی کلاه بالا می‌زدند یا موهای بلندشان از زیر کلاه بیرون می‌ماند.

افراد مسن، گاه فرق سر را به منظور مسح کشیدن - ماشین می‌کردند یا همه کل موهای سر را تیغ می‌زدند. نوجوانان معمولاً بغیر از قسمت بالای پیشانی و تا کمی به وسط سر مانده، بقیه موهای سر خود را می‌تراشیدند. به این ترتیب یک دسته موی بلند در جلوی سر مثل «کاکل» به چشم می‌خورد و به همین علت به این نام نیز شهرت داشت.



کلاه نمدی بیضی شکل لبه دار معروف به کلاه گوشه

۱-۲. عرقچین

کلاهی است که اکثر حاجی‌ها، افراد مسن و اعیانها از آن استفاده می‌نمودند. جنس آن در گذشته از چلوار سفید بود و روی آن را برای استحکام بیشتر بخیه‌های عمودی و افقی می‌زدند. عرقچین‌ها اغلب موقع استراحت در منزل به کار می‌رفت، ولی گاهی موقع رفتن به مزارع و انجام فعالیتهای کشاورزی در فصول بهار و تابستان به تنهایی و در فصول پاییز و زمستان در زیر کلاههای نمدی استفاده می‌شد.

۱-۳. عمامه

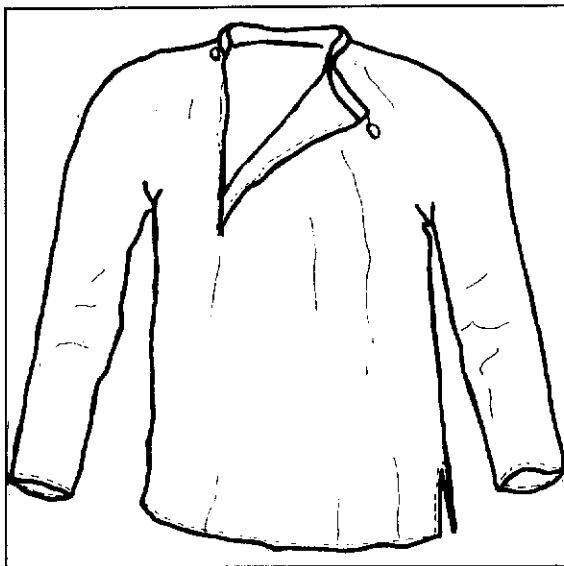
سربند پارچه‌ای سفیدرنگی که چندین متر طول دارد و مخصوص روحانیون بوده است، سادات از سربند سبز یا مشکی استفاده می‌کرده و می‌کنند.

۱-۴. پیشانی بند

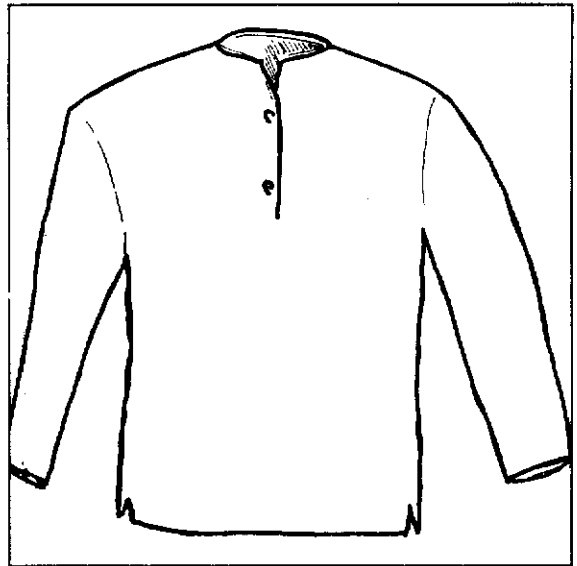
عبارت بود از دستمالهای ابریشمی یا بند پشمی که کشاورزان به هنگام کار روی مزارع به خصوص وقت درو و خرمکوبی استفاده می‌کردند. دستمال یا بند پشمی را روی پیشانی می‌گذاشتند و در پشت سر گره می‌زدند تا به هنگام کار عرق به چشمانشان نرود.

۱-۵. نقاب یا سایبان هنگام کار

نقاب هلالی شکل از جنس چرم که با دو بند که در طرفین داشت در پشت سر محکم می‌شد و به آن در اصطلاح محلی افتوگردو و یا افتوگردون کشاورزان oftowgardu/oftowgardun می‌گفتند.



نمونه پیراهن با سجاف کج مخصوص جوانان



نمونه پیراهن تودل بسته بدون یقه مخصوص افراد مسن

## ۲- تن پوش

انواع تن پوش مردان عبارت بود از:

### ۲-۱. پیراهن

متداولترین پیراهن آقایان پیراهن سجاف دار در جلو، در دو شکل تودل بسته و تودل باز بود که تن پوشی است دارای یقه ای گرد بدون لبه یا لبه دار و سجافی در زیر گلو تا روی سینه (تودل بسته) و یا سجافی در زیر گلو تا پایین (تودل باز) که با دکمه یا بندینک باز و بسته می شود. در پیراهن های مدل تودل باز اغلب در سمت چپ بالاته جیب کوچکی از رو دوخته می شود.

پیراهن سجاف دار به صورت کج پیراهنی است با یقه ایستاده، دارای سجافی در قسمت چپ بالاته از بغل گردن تا روی سینه که با یک دکمه یا بندینک در قسمت بغل گردن باز و بسته می شود.

پیراهن سجاف دار روی شانه: عبارت بود از تن پوشی یقه گرد دارای سجافی از ابتدای گردن تا سرشانه که با دو یا سه دکمه باز و بسته می شود.

### مشخصات کلی پیراهن ها

قد پیراهن ها اغلب بلند (تا بالای زانو) بود. دو چاک ۵ الی ۱۰ سانتی متری در طرفین پیراهن ها و گاه سرآستین ها داشت. پیراهن ها، سرآستینی بدون دکمه داشت که اغلب

در ده سانتی متری ناحیه سردست، بندی در کنار آن دوخته می شد که به دور دهانه آستین (به خصوص به هنگام کار و فعالیت) می پیچیدند. سرآستین پیراهن افراد شیک پوش اغلب مچی دار بود. رنگ پیراهن مردان طبقات کم درآمد اجتماع معمولاً به رنگ تیره بود و زنان آنها را می دوختند، اما پیراهن مردان طبقه مرفه از پارچه های مرغوبی چون تترون و چلوار اغلب به رنگ سفید انتخاب می شد که پارچه ها را برای دوخت پیراهن به خیاطهای محلی یا شهری می دادند.

لازم به ذکر است آستین بلند حایز اهمیت بسیاری بود: در گذشته آستین کوتاه را عیب می دانستند و اکنون نیز برخی از افراد مسن آن را دلیلی بر لابلایی بودن شخص می دانند. این مدل پیراهن در دوره قاجار متداول شده و مدلهایی چند از آن هنوز هم بر تن آقایان به خصوص پیرمردان دیده می شود.

### ۲-۲. آرخالق

آقایان به روی پیراهنهای خود آرخالق (arxaloq) می پوشیدند. آرخالق کت جلو باز راسته چسبانی بود که قدی تا حدود زانو داشت. این تن پوش آستر دار بود و معمولاً با قراردادن پنبه بین آستر و رویه در قسمت بالاته سطح آن را به طور عمودی و افقی برای استحکام و گرمای بیشتر با دست بخیه می زدند. یقه آنها هفت یا گرد بدون



برگردان بود. در کناره‌های آن دو چاک به ارتفاع ۲۰ سانتی‌متر قرار داشت و جیبی در درزهای پهلوهای آن دوخته می‌شد. آستین‌های تنگ آن بلند و راسته بود و تقریباً ۱۰ تا ۲۰ سانتی‌متر بلندتر از دست شخص دوخته می‌شد. چاک‌ها تا نزدیکی آرنج و در قسمت زیرین داشت که اغلب با بندی به دور مچ پیچیده می‌شد. این تن پوش معمولاً از کرباس دوخته می‌شد و در زمستان برای حفاظت بدن از سرما روی پیراهن و زیربما می‌پوشیدند. در مجموع تغییر نوع آن با توجه به فصول سال، گرما، سرما، رفاه و منزلت اجتماعی استفاده‌کننده متفاوت بود.

### ۳-۲. قبا

مردان نوعی تن پوش رویی داشتند که به روی لباسها می‌پوشیدند که قبا (qoba) نامیده می‌شد. این لباس در کلیه فصول قابل استفاده بود. رنگ آن معمولاً خاکی و سرمه‌ای (قرمز - سبز - آبی برای داماد) انتخاب می‌شد و جنس آنها اکثراً از متقال و کرباس (در بین طبقات کم‌درآمد) و ترمه و قلمکار و پارچه هفت‌ستاره انگلیسی (در بین طبقات مرفه) بود. یقه قبا گرد، بدون برگرد و یا مثلثی دوخته می‌شد و جلوی آن یکسره باز بود و روی آن شال پارچه‌ای یا پشمی یا کمر بند چرمی بسته می‌شد (در غیر این صورت با دکمه‌ای که از زیر بر آن دوخته شده بود باز و بسته می‌شد) قسمت تحتانی این پوشاک پهن و گشاد، ولی در قسمت بالا تنگ بود. این تن پوش دارای چهار جیب و دو چاک بود که دو جیب از داخل رو به سینه و دو جیب در قسمت پهلوها قرار داشت و در زیر جیب پهلوها دو چاک ۳۰ سانتی‌متری قرار داشت که آستر، کیسه جیب را نمایان می‌کرد.

نمونه قبا و شال از بغل همراه با چاک و آستر کیسه جیب

### ۴-۲. چوقا [cūqā]

عبارت بود از بالاپوشی پشمی یا نخ‌ی (راه راه مشکی یا سرمه‌ای و سفید) دارای یقه‌ای گرد و خوابیده و آستین‌های کوتاه (روی بازو) که مورد استفاده آقایان ایلات ساکن در استان (بختیار - قشقای) قرار گرفته و می‌گیرد. چوقا پوشان در گذشته چوقا را روی قباهای خود در کلیه فصول می‌پوشیدند و استفاده از آن را دلیلی بر شخصیت و مردانگی می‌دانستند. امروزه از چوقا اغلب در مواقع جشن و سرور استفاده می‌شود.

### ۵-۲. کت و پالتو

در اغلب نقاط استان تهیه کت و پالتو برای همه ممکن نبود، افرادی که توانایی مالی بیشتری داشتند از کت‌های آماده بازاری استفاده می‌کردند (کت تقریباً از دوره پهلوهای اول متداول شد). همچنین در مواقع برف و یخبندان پالتو می‌پوشیدند.

آستین‌های قبا بلند و ساده، معمولاً دارای چاک‌های حدود ۱۰ الی ۱۵ سانتی‌متر از آرنج تا مچ بود که به هنگام کار و فعالیت دو طرف چاک آستین را روی هم آورده و به طرف بالا تا می‌زدند. این تن پوش آستر دار تهیه می‌شد و قد آن تا پایین زانو بود (تفاوت قبا و آرخالق فقط در اندازه قد بود). پوشیدن این لباس با آغاز دوران پهلوهای ظاهراً ممنوع و منسوخ شد و از آن زمان اغلب مردان ناچار به پوشیدن کت و شلوار رایج امروزی شدند.

شایان ذکر است شالهای پارچه‌ای یا پشمی که در روی قباها (به‌خصوص در فصول سرد) بسته می‌شد به طول ۲ تا ۶ متر و عرض ۲۵ سانتی‌متری تا یک متر متغیر بود.



نمونه تن پوش نمدی (بلند تا بالای زانو)



نمونه چوقای پشمی

تا بالای قوزک پا بود. این تن پوش را چوپانها، چاروادارها در بیرون از روستا در مسیرهای دور اغلب شبها به عنوان زیرانداز و روانداز و سایبان از آن استفاده می کردند.

#### ۲-۷. سرداری

اهالی استان از تن پوشی موسوم به سُرْدَری یا سرداری یاد می کنند که اربابان و مالکان در فصول سرد، در کوچه و بازار و مهمانی ها به تنهایی یا به روی قبا می پوشیدند. این تن پوش متفاوت از قبا و آرخالق بود، بدین صورت که در قسمت پشت (کمر) دامن چندین برابر بالاته عرض داشت و به بالاته به هنگام وصل چین می خورد. همچنین در قسمت جلو، دارای برشهای عمودی بود. جنس سرداری ها دیت و یا ماهوت بود و اغلب خیاطان محلی آنها را می دوختند.

پالتوها از جنس ماهوت مشکی و سرمه ای، دارای یقه انگلیسی و آستین های بلند و دو جیب از رو در قسمت پهلوها بود.

#### ۲-۶. تن پوش های نمدی

همان طور که گفته شد در قدیم تهیه کت و پالتو برای همه ممکن نبود، بنابراین افرادی که وضع مالی خوبی نداشتند در فصول سرد از تن پوشهای نمدی استفاده می کردند.

تن پوش های نمدی انواع مختلفی داشت؛ آستین دار یا بدون آستین، یقه گرد بدون برگردان که اندازه آنها تا کمر یا تا بالای زانو بود. آقایان از این تن پوش به هنگام رفت و آمد در مسیرهای کوتاه استفاده می کردند.

تن پوشهای عبانمدی آستین دار یا بدون آستین مانند شل با یقه گرد، جلوباز که اندازه آنها تا زیر زانو و گاه



نمونه عبا

نمونه سرداری از جلو

۲-۸. پوستین

عبارت بود از بالا پوشی با آستین یا بدون آستین تا کمر یا قوزک پا، با یقه آرشال یا انگلیسی که اغلب مردان طبقات مرفه در فصول سرد موقع استراحت در منزل و یا رفت و آمد در مسیرهای نزدیک روی دوش خود می‌انداختند. نوع مرغوب آن از پوست بره با آستین‌های بلند و تنگ (از آرنج تا مچ) بود. (پوستین‌های کم‌ری را اغلب مردان طبقه متوسط بر تن داشتند.) کلیه پوستین‌ها به صورت آماده از بازار شهرهای اصفهان و مشهد خریداری می‌شد.

۲-۹. جلیقه

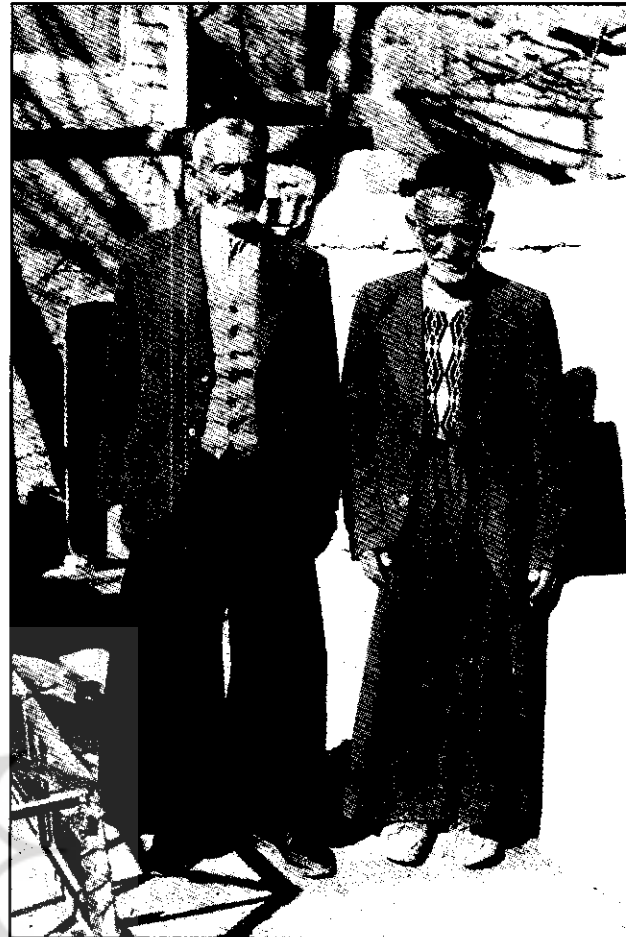
عبارت است از تن پوشی جلو باز با یقه گرد یا هفت، بدون آستین که در گذشته پیر و جوان و اکنون پیرمردان از آن استفاده می‌کنند. جلیقه‌ها در فصول سرد، زیر قبا و در فصول گرم، روی پیراهن‌ها پوشیده می‌شد.

۱۰-۲. عبا

تن پوش روویی گشادای بود با یقه گرد و خوابیده و آستین‌های بلند و افتاده (مشابه عباهای فعلی روحانیون) که به روی همه تن پوش‌ها پوشیده می‌شد. رنگ آن مشکی، نخودی سیر (مایل به قهوه‌ای) و یا سرمه‌ای بود. عبا لباس گرم، راحت و کاملاً سبک بود، که بعضی از آنها خیلی ظریف و به مراتب مرغوبتر از دیگر انواع آن به‌شمار می‌رفت و به همین نسبت هم پر بهاتر بود. قد این تن پوش تا روی قوزک پا بود که اغلب حاشیه جلو، سرشانه‌ها و دور مچ را قیطان‌دوزی می‌کردند و می‌کنند. از عبا مردان مسن در اکثر نقاط به‌خصوص در نواحی کویری استان در فصول سرد استفاده می‌کرده و می‌کنند.



نحوه بستن شال مردان بختیاری و قشقایی  
ساکن سمیرم و شهرضا



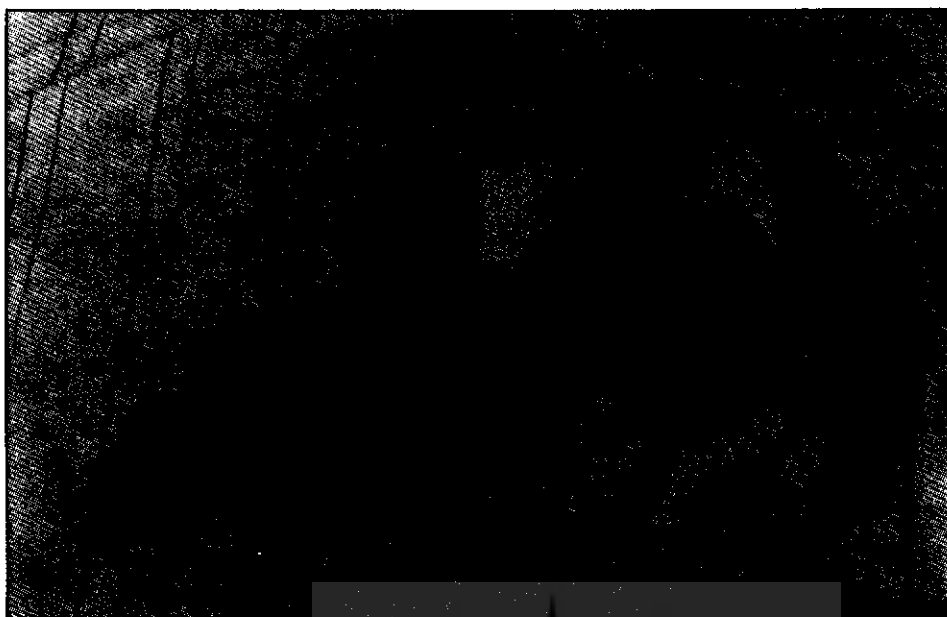
نمونه‌هایی از جلیقه و شلوار مورد استفاده مردان

#### ۱۱-۲. شلوار

در اصطلاح محلی ثُمون، تمبون و ثُمون دیت نام داشت و عبارت از شلواری گشاد و لیفه‌ای با دم‌پایی فراخ که از ۸۰ تا ۱۱۰ سانتی‌متر متغیر بود. دم‌پای آن به اندازه ۱۰ سانتی‌متر تا زده می‌شد و لبه آن را به شکل موازی یا زیگزاگ بخیه می‌زدند. این شلوار معمولاً از پارچه‌ای مرغوب به نام دیت حاج‌علی اکبری تهیه می‌گردید. از ثُمون حاج‌علی اکبری هنوز هم پیرمردان در نقاط شهری و به خصوص روستایی استان استفاده می‌کنند. همچنین مدل دیگر شلوار مورد استفاده مردان زیرجامه‌ای لیفه‌دار (شیشه پیژامه‌های امروزی) است که از متقال، کرباس و تترون تهیه می‌شد. این شلوار در قسمت کمر کش داشت. از این شلوار به‌هنگام استراحت در منزل و کار و فعالیت در مزارع استفاده می‌شد.

#### ۱۲-۲. شال کمر

مردان برای مقابله با سرما در فصول سرد، همچنین حفظ سنتهای پیشینیان، علاقه زیادی به بستن شال به دور کمر خود داشتند. شال در دو نوع پارچه‌ای و پشمی استفاده می‌شد. شالهای پارچه‌ای به طول ۲ تا ۶ متر و عرض ۲۵ تا ۱۰۰ سانتی‌متر متغیر بود. شالهای پارچه‌ای از جنس دیت، ترمه، قنویز، مسقطی، شیر و شکری (پارچه ساتن با گلدوزی فراوان در حاشیه و زمینه پارچه) و با آستر چلووار مورد استفاده قرار می‌گرفت. برای تهیه شالهای پشمی زنان پشم را ریسیده و تبدیل به نخ می‌کردند، سپس مردان با میل‌های چوبی و اَشپک دوچرخه می‌بافتند. مردان از شال‌ها به‌عنوان محلی برای نگهداری کیسه پول، توتون، چاقو، چپق و... استفاده می‌کردند.



نمونه گیوه و نعلین مورد استفاده آقایان در سطح استان

### ۲-۱۳. کمر بند

به صورتهای تسمه و دوال (daṭāl) تلفظ می‌شود. جوانهای شیک پوش در فصول گرم به جای استفاده از شال، کمر بند چرمی می‌بستند. این کمر بندها سگک برنجی بزرگی داشت که به روی قبا یا چوقا بسته می‌شد.

### ۲-۱۴. دستکش

آقایان از دستکش‌های پشمی (پشم گوسفند یا شتر) پنج انگشتی یا دو انگشتی در فصول سرد استفاده می‌کردند. دستکش را مردان به خصوص چوپانها در ایام بیکاری می‌بافتند.

### ۲-۱۵. مچ بند

عبارت بود از مچ پیچ‌های پارچه‌ای از جنس دیت مشکی که اغلب دامادهای جوان دور مچ دست می‌بستند. مچ بندها را نامزدها تهیه و گلدوزی می‌کردند.

### ۳- پاپوش

انواع پاپوش آقایان عبارت بود از:

#### ۳-۱. جوراب

در دو جنس پشمی و نخی مورد استفاده قرار می‌گیرد:

**جوراب پشمی:** جورابی است ضخیم که از پشم شتر یا گوسفند بافته می‌شود. این جوراب تا بالای ساق پا را می‌پوشاند. بافتن جوراب اکثراً با آقایان (به خصوص چوپانها) بود که در برخی از آنها نقش گل و بوته یا نقش‌های هندسی بر ساق می‌انداختند تا بر زیبایی آن افزوده شود. گاهی نیز برای استفاده بیشتر از این جوراب تکه‌ای تیماج به فرم کف پا ولی بلندتر که اضافه آن از جلو، پنجه و از پشت، پاشنه را فرا می‌گرفت به آن می‌دوختند. جورابهای پشمی در فصول سرد کاربرد فراوانی داشته و دارد.

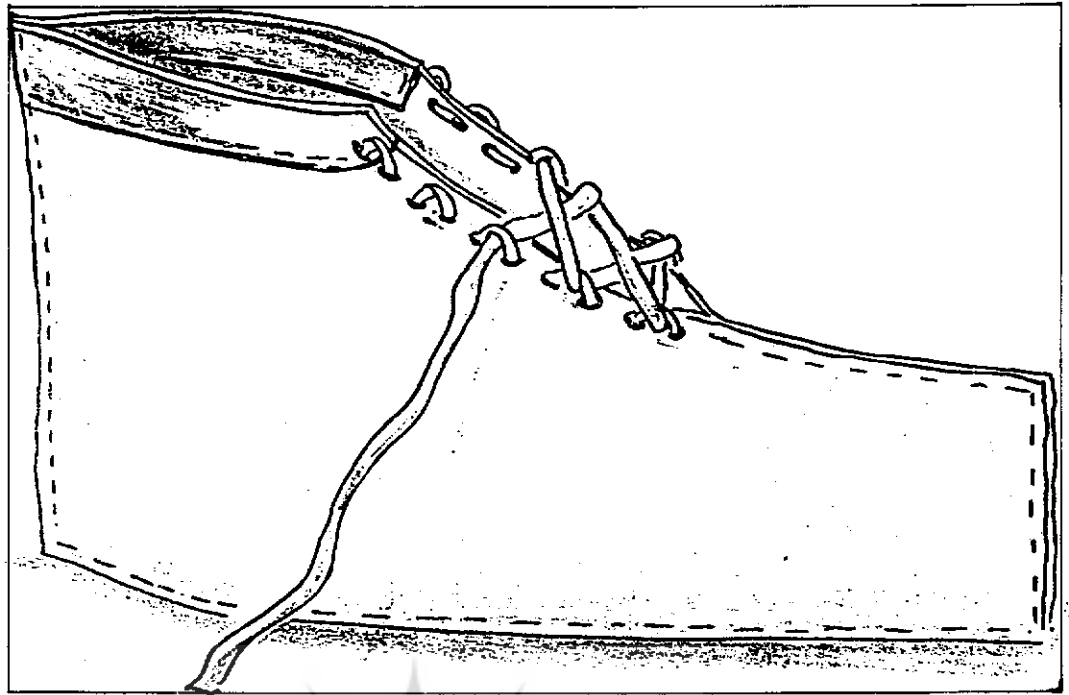
**جوراب نخی:** جورابهای نخی در تابستانها مورد استفاده قرار گرفته و به صورت آماده خریداری می‌شود.

#### ۳-۲. کفش

انواع کفش آقایان عبارت است از:

**گیوه:** متداولترین پای‌افزار مردان بنا به نوع معیشت منطقه مبتنی بر کشاورزی و دامداری و ضرورت تحرک فراوان، در فصول بهار و تابستان و پاییز (زمان کاری) گیوه بود. گیوه‌ها به صورت پاپوشی سبک، راحت، بادوام با دو تخت پارچه‌ای و لاستیکی دوخته می‌شد. اهالی استان اکثراً با امکانات موجود در منطقه قادر به تولید آن می‌باشند.





نمونه کالک یا کهلک مورد استفاده در مسافرت‌های دور هنگام برف و یخ‌بندان

کالک یا کهلک [Kalek ya Kohlak]: از پوست الاغ یا گاوی که تازه کشته می‌شود، تهیه می‌گشت از این پاپوش جهت رفتن به مسافرت‌های دور اغلب در مواقع برف و یخ‌بندان استفاده می‌شد و تهیه آن به‌عهده مردان بود.

نعلین: عبارت است از پاپوشی چرمی، دمپایی مانند با رویه بلند به رنگ‌های زرد مایل به خردلی و مشکی که آقایان به‌خصوص روحانیون از آن استفاده کرده و می‌کنند.

۳-۴. مچ‌پیچ، مچ‌پیچ که به دولاق یا شال‌پا معروف بود، عبارت بود از نوارهای پارچه‌ای یا پشمی که یک‌متر طول و ۱۰ سانتی‌متر عرض داشت. در طرفین آن بندی تعبیه شده بود که به دور مچ پا بسته می‌شد. مچ‌پیچ‌ها در زمستان‌ها روی جوراب پیچیده می‌شد.

۳-۵. ساق‌بند یا پاکش [Pakas]، عبارت بود از پاپوشی پشمی مانند جوراب بدون کفی که از قوزک پا تا زیر زانو را می‌پوشاند. ساق‌بند با بندی در زیر زانو به دور پا محکم می‌شد. این پاپوش در زمستان‌ها زیر جوراب پوشیده می‌شد. بافت مچ‌پیچ و ساق‌بندهای پشمی به‌عهده مردان به‌خصوص چوپان‌ها بود.

مواد اولیه کف گیوه تماماً در منطقه موجود بود و ابزار کار تخت‌کشی ساده و به‌راحتی تهیه می‌شود. تخت‌کشی گیوه از کارهای تخصصی به‌شمار می‌رود که به‌عهده مردان است. بافت رویه را زنان انجام می‌دهند.

مشهورترین گیوه‌ها گیوه ملکی بود که با دهان تنگ و نوک تیز تا مچ پا را می‌پوشاند. رویه و تخت آن از مرغوبترین مواد تهیه می‌شود.

گفتنی است که گیوه‌های تخت لاستیکی، بعد از تخت پارچه‌ای متداول شد و در فصول سرد به‌خصوص به‌هنگام بارندگی بیشتر کاربرد داشت.

ارسی چرمی: ارسی پاپوشی چرمی بود که به‌شکل گیوه دوخته می‌شد. سپس به مرور زمان آن‌را با بند باز و بسته می‌نمودند. مردان طبقات مرفه از ارسی در فصول سرد سال به‌خصوص به‌هنگام بارندگی و برف استفاده می‌کردند.

دوبندی: پاپوشی بود چرمی با رویه بلند (تا برآمدگی روی پا). بنا به گفته اهالی از این پاپوش به‌هیچ وجه آب رد نمی‌شد و معمولاً مردان طبقات کم‌درآمد از آن استفاده می‌کردند.



نمونه سرکش

### ۱- سرپوش

در گذشته بچه‌ها از نوزادی کلاه بر سر می‌گذاشتند. جنس کلاهها از پارچهٔ مخمل به رنگهای شیری، زرشکی و سبز بود و برای جلوگیری از چشم‌زخم انواع مهره‌ها و نمک‌ترکی و دعا‌های مختلف را به آنها آویزان می‌نمودند. پسرها بعد از گذراندن مرحلهٔ نوزادی و کودکی (از ۸ سالگی) کلاه نمدی با سایز کوچک همراه با نقش و نگار بر سر می‌گذاشتند. همچنین دختر بچه‌ها به روی لباسهای خود چادر چیت‌گل‌داری می‌پوشیدند که سر و بدن را می‌پوشاند.

### ۲- تن پوش

در گذشته پوشاک دختران و پسران متأثر از لباسهای بزرگترها بود، با این تفاوت که متناسب با قد و قامت آنها دوخته می‌شد. در گذشته جنس لباس کودکان را معمولاً از چلوار، کرباس و چیت تهیه می‌کردند. در حال حاضر نیز همچون سابق، جنس پارچهٔ لباس کودکان مشابه بزرگترهاست.

### ۳- پا پوش

در زمستان برای حفظ پای کودکان از سرما، به آنها جوراب پشمی می‌پوشاندند. ولی در فصول گرم بچه‌ها اغلب با پای برهنه و بدون جوراب راه می‌رفتند. این حالت از گذشته تاکنون به همین روش کم و بیش متداول است.

همچنین در گذشته بچه‌ها گیوه‌ای مشابه گیوه بزرگترها به پا می‌کردند، با این تفاوت که برای زیبایی بیشتر طرحی با نخ زرد، قرمز، سبز در آن می‌دوختند. بعد از آن نیز از کفشهای پلاستیکی استفاده می‌نمودند.

### پوشاک نوزادان

نوزادان همچون مردان و زنان دارای مجموعه‌ای پوشاک هستند که اکثراً از جنس تترون، چلوار و چیت به رنگ سفید تهیه می‌شده است. اولین لباس نوزاد رخت چله‌ای، لباس چلومی، یا لباس چلگی نامیده می‌شد و همان سیمونی است که معمولاً چند ماه قبل از تولد نوزاد از طرف خانواده دختر فرستاده می‌شود. برای تزئین لباس نوزاد آن را معمولاً با نخهای رنگی لبه‌دوزی می‌کردند.

سیمونی عبارت بود از:

۱- کلاه (مخمل، چلوار): کلاههای مخمل نیم‌کره‌ای (شیهه عرقچین مردان) از پارچهٔ مخمل به رنگهای شاد قرمز،

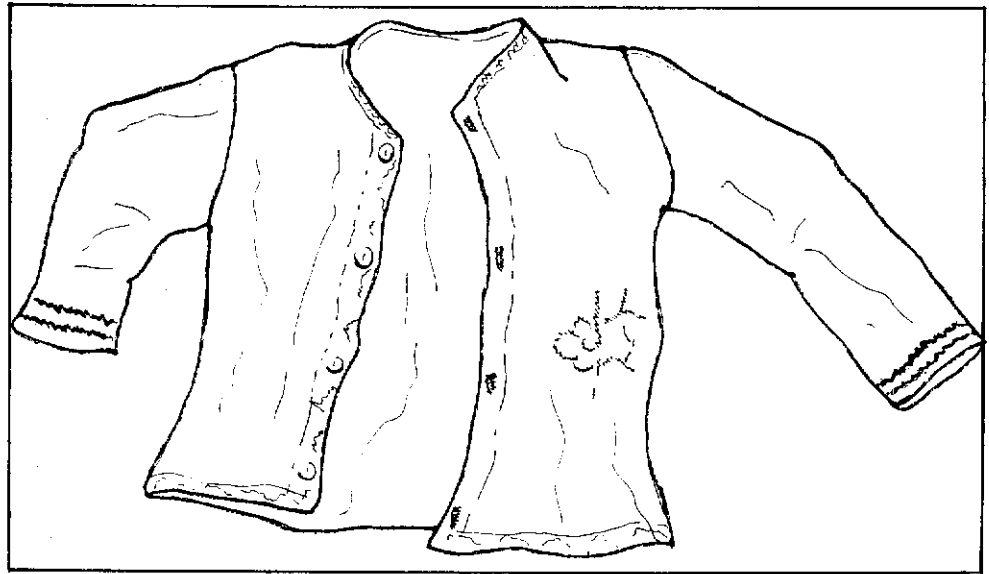
شیری، سبز و آبی دوخته می‌شد و در فصول سرد و بعد از گذراندن مرحلهٔ چلگی به کار می‌رفت.

۱- یک مدل دیگر کلاه نوزاد از پارچهٔ چلوار به رنگ سفید دوخته می‌شد. این کلاه روی گوشها را می‌پوشاند و معمولاً با بندی که در طرفین گوشها قرار داشت در زیر گلو محکم می‌شد.

۲- لچک: دستمال سه‌گوشی از جنس چیت یا چلوار که دو گوشهٔ لچک را از زیر گردن طفل رد می‌کردند و در پشت سر گره می‌زدند. لچک را زیر کلاه می‌بستند.

۳- پیش سربندی یا پیشونی‌بند:

[pišsar bandi yā pišoni band] بعد از سرکردن لچک و کلاه به پیشانی طفل نواری مستطیل‌شکل از چلوار سفید و یا دستمال چهارگوش ابریشمی کوچکی می‌بستند. دلیل این کار پهن شدن پیشانی طفل و جلوگیری از برجستگی پیشانی بود.



نمونه پیراهن آستین‌دار نوزاد با سجافی در قسمت جلو

پارچه شود و بعد از آن استفاده می‌کردند و پس از هر بار خیس شدن آن را در آفتاب خشک می‌کردند.

۱۰- دست پیچ [das pič]: آخرین کهنهٔ بچه را قبل از قنداق کردن وی دست پیچ می‌گفتند که به صورت سه گوش کاربرد داشت.

۱۱- بقچهٔ قنداق: پارچه مربع شکل از جنس کرباس یا چیت که بعد از سه‌گوش کردن، نوزاد را در آن می‌پیچیدند. بقچهٔ قنداق را با بند قنداق بر تن طفل محکم می‌بستند.

۱۲- دورپیچ: پارچهٔ چهارگوشی از جنس چلووار که به‌هنگام استفاده آن را سه‌گوش می‌کردند و در هوای سرد مانند پتو، به دور طفل قنداق شده می‌پیچانند.

۱۳- سزکش [sar kaš] یا شئل: عبارت است از تن پوشی کلاه‌دار بدون آستین که در فصول سرد به‌هنگام بیرون بردن طفل به وی می‌پوشانیدند. این تن پوش از پارچهٔ مخمل با آستر کرباس تهیه می‌شد و بعد از گذراندن دورهٔ چلگی تا پایان یک‌سالگی به طفل می‌پوشانند.

۱۴- کمرچین: عبارت بود از تن پوشی یقه‌گرد - آستین‌دار که شبیه سرداری آقایان دوخته می‌شد. سجاف کمرچین از زیر گلو تا کمر دکمه می‌خورد. از این تن پوش در فصول سرد برای بردن کودک یک تا سه‌ساله به بیرون استفاده می‌شد.

همهٔ این لباسها را در گذشته خانوادهٔ دختر (برای نوزاد اول) تهیه می‌کرد. خانواده‌های مرفه برای تهیهٔ این پوشاک

۴- جلیقه: عبارت بود از تن پوشی بی‌آستین با یقهٔ گرد از جنس چلووار که در زیر پیراهن پوشیده می‌شد. جلیقهٔ نوزاد معمولاً جلو باز و برای تزئین، لبه‌های آن را با نخ‌های رنگی گلدوزی می‌کردند.

نمونه دیگری از جلیقه «سینه‌بند» نام داشت و عبارت بود از تن پوشی جلو بسته و بدون آستین که یک طرف آن در زیر حلقهٔ آستین باز بود و با چند قیطان باز و بسته می‌شد. ۵- پیراهن: عبارت بود از تن پوشی آستین‌دار دارای یقه‌ای گرد با سجافی در قسمت جلو یا سرشانه که معمولاً از جنس چلووار دوخته می‌شد. لبه‌های پیراهن را برای زیبایی با نخ‌های رنگی گلدوزی می‌کردند.

۶- کت چله‌ای: عبارت بود از تن پوشی که به روی پیراهن (قبل از قنداق کردن) پوشانده می‌شد. این تن پوش شبیه کت دوخته می‌شد و پارچهٔ آن از کرباس یا ماهوت بود. ۷- غلیظ‌بند [qiliz band]: غلیظ‌بند از پارچهٔ چهارگوش چلواری تهیه می‌شد که در حقیقت پیش‌بند طفل محسوب می‌گردید و آن را روی لباسهای طفل می‌بستند.

۸- تمون [tomon]: عبارت بود از شلووارهای کوچک از جنس چیت یا چلووار.

۹- جُل [jol]: عبارت بود از پارچه‌های چهارگوشی که به‌عنوان کهنهٔ قنداق استفاده می‌شد و به‌صورت سه‌گوش آن را روی بقچهٔ قنداق قرار می‌دادند. برای جلوگیری از خیس شدن سریع کهنه‌های قنداق، کرباس را چند بار در پی آب شده یا موم می‌زدند، به‌طوری که این مواد جذب

اکثراً از ترون و چلوار استفاده می‌کردند. اکنون نیز تقریباً برای نوزادان به همین صورت لباس تهیه می‌کنند با این تفاوت که لباسها بیشتر رنگ شهری به خود گرفته است. آرایش نوزاد: چشم نوزاد را برای زیبایی سرمه می‌کشیدند و گوش نوزادان دختر را از همان روزهای اول سوراخ و در آن گوشواره می‌کردند.

### پوشاک مورد استفاده در مراسم سوگواری

مردم استان در مراسم ختم و عزاداری اغلب با همان لباس همیشگی (تا حد امکان تیره) حضور می‌یافتند. زنان معمولاً در این مراسم سرپوش‌های سیاه (چارقد - روسری - چادر) به سر می‌کردند.

در حال حاضر به نشانه عزادار بودن لباسهای سیاه به تن می‌کنند، لازم به ذکر است برای شرکت در هنرهای نمایشی منطقه (مانند تعزیه‌های دهه اول محرم) از تن پوشهای قدیمی مانند سرداری یا کمرچین، قبا و... استفاده می‌شود.

### جشن‌ها

مردم استان در مراسم جشن و سرور اغلب با لباسهای تمیز و تاجد امکان نو (لباسهای متداول در گذشته و حال) حضور می‌یافتند. همچنین مردان قشقایی و بختیاری استان از گذشته تا امروز به روی همه تن پوشهای خود چوقا می‌پوشند.

### ضرب‌المثلها درباره هر یک از اجزای پوشاک

در نقاط شهری و روستایی استان اصفهان، ضرب‌المثلهای بسیاری در مورد پوشاک بر سر زبانهاست. گوشه‌ای از این ضرب‌المثلها به قرار زیر است:

- کلاهت را قاضی کن.

- سر باشد، کلاه بسیار است.

- کلامون قاطی میشه.

- سرش به کُلاش نمی‌ارزه.

- این کلاه اندازه سر ما نیست.

- شرم نه از بی‌چادریه.

- فلانی دو تا پیرن بیشتر پاره کرده.

- سری که درد نمی‌کنه، بهش دستمال نمی‌بندند.

- دن [don (سرداری قشقایی مخصوص اعیانها)] را به هاون

پوشانی به هادی بک شبیه می‌شه.



کمرچین یا سرداری شبیه حضرت عباس، علی اکبر، قاسم

- جیب خالی، پز عالی.

- فلانی دوتا پاش را تو به کفش کرده.

- هر چه رشته بودم پنبه شد.

- خودش می‌بُره و خودش می‌دوزه.

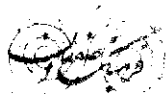
### باورها و اعتقادات درباره پوشاک

برخی اهالی استان از گذشته‌های دور تاکنون باورها و اعتقادات خاصی درباره پوشاک داشته‌اند. گوشه‌ای از این اعتقادات به قرار زیر است:

- شب یکشنبه و شب جمعه نباید نخ رسید، زیرا در کارها تاب می‌افته.

- شب جمعه روز خوبی برای دوخت و برش است، به‌خصوص دوخت و بُرش چادر.

- شب چهارشنبه لباس نو پوشیدن بد است (لباس می‌سوزد).



- شنبه‌ها بُرش چادر بد است (کوتاه می‌شود یا می‌سوزد).  
 - روز جمعه و روز یکشنبه برای پوشیدن لباس نو خوب است.  
 - روز شنبه برای کار و دوخت و دوز خوب است و می‌خوانند:  
 شنبه کار و شنبه یار، شنبه زن خونه نیار.  
 - سوم، سیزدهم، پنجم ماه، سیزدهم عید، دوماهه محرم و صفر، بیست و یکم و بیست و سوم رمضان برای دوخت و برش و پوشیدن لباس نو بد است.  
 - شستن چادر در ماه محرم و صفر خوب نیست (شوهر می‌میرد).  
 - پوشیدن لباس مشکی اومد، نیمد داره، به‌خصوص برای زن شوهردار.  
 - در آوردن سجاف یقه در روز جمعه بد است (معتقدند روز جمعه سر امام حسین(ع) را بریده‌اند).  
 - پوشیدن لباس مشکی بعد از مراسم چهلم باعث تاریکی قبر مرده می‌شود.  
 - دیدن خواب ائمه اطهار با لباس سبز نشانه پیشرفت کارها و آینده خوب است.  
 - گذاشتن تمبان و اُرسی به‌هنگام خواب در بالای سر باعث خوابهای آشفته می‌شود.  
 - عروسی که با لباس سفید به خانه بخت می‌رود باید با کفن بیرون آید.  
 - برای بهبود کودکی که نظر خورده، قسمتی از لباس فرد نظر کرده را بدون اینکه متوجه شود بریده و می‌سوزانند.  
 - زنان بعد از مراسم فاتحه باید به خانه خود بروند. یا حتماً چادر خود را جلوی در مسجد تکان بدهند و بعد به هر کجا که می‌خواهند بروند.  
 - پوشیدن لباس به رنگ قرمز پسندیده نیست (علامت شمر است).  
 - برای بچه‌دار شدن زنی که بچه‌هایش می‌میرند، معتقدند که وی باید به خانه شخص پر اولاد برود و از او تکه پارچه‌ای رنگین و یا چلووار گدایی کند. پارچه را در ۲۷ رمضان به مسجد می‌برند و بین دو نماز به کمک افراد پُر اولاد از آن، پیراهن برای نوزاد می‌دوختند. این لباس اولین تن پوش وی پس از تولد بود.  
 - قالب نمک ترکی، مهره خر، مهره چشم، نظر قربانی

(چشم گوسفند قربانی شده در عید قربان)، قرآن (به قطع کوچک)، باباقولی را برای حفظ نوزاد از چشم‌زخم همراه وی می‌کردند. (یا یکی از آنها را در پارچه‌ای قرار می‌دادند و آن را بر شانه فرزند می‌آویختند یا آن را با سنجاقی به کلاه نوزاد می‌زدند).  
 - لباس نوزاد تا چهل روز اول باید سفید باشد. (عده‌ای اهالی معتقدند انسان سه بار در طول عمرش لباس سفید می‌پوشد. ۱- وقتی به دنیا می‌آید ۲- وقتی ازدواج می‌کند ۳- هنگامی که از دنیا می‌رود).  
 - در بعضی نقاط استان برای نوزادان تا چهل روز اول از لباسهای کهنه پدر و مادرش لباس می‌دوختند. زیرا معتقدند که به این صورت نوزاد از آسیب احتمالی موجودات وهمی در امان خواهد ماند. امروزه علی‌رغم حفظ این سنت قدیمی گاهی به نیت «لباس چله» برای نوزاد لباسهای آماده می‌خرند.  
 - مرد باید اول صبح که از خانه بیرون می‌آید پاشنه ملکی‌اش را بالا بکشد. (چنانچه این کار را نکنند معتقدند رزقش نمی‌رسد).  
 - گیوه دوز و اُرسی دوز باید بین دو لنگه کفش حتماً تفاوتی بگذارد (زیرا زنش می‌میرد).  
 - نباید کسی اجازه دهد سیدی جلوی پایش کفش جفت کند (زیرا معتقدند گناه دارد).  
 - کفش دمر علامت مرگ یا مرضی صاحب کفش است. بنابراین برای پیشگیری از بلا صدقه می‌دهند.  
 - چنانچه لنگه‌های کفش شخصی بر هم سوار شوند، گویند صاحب کفش به مسافرت و یا زیارت می‌رود.  
 - چنانچه لنگه‌های یک جفت کفش پشت به هم قرار گیرد، گویند کفشها تابوت شده و کسی خواهد مُرد.  
 در پایان یاد آور می‌شود پژوهش پوشاک از برنامه‌های پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی کشور بوده و در اداره کل میراث فرهنگی استان اصفهان انجام گرفته است. از این‌رو بدین‌وسیله از کلیه مسؤولان، دست‌اندرکاران و تمامی مردم مهمان‌نواز و فرهنگ‌دوست اصفهان که صمیمانه و مشفقانه حقیر را تأیید و تشویق کرده و بر شور و شوق اینجانب در ادامه این خدمت فرهنگی افزودند سپاسگزارم چرا که مجموعه حاضر ثمره‌ای از همان یاریها و مساعدتهاست.

